

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۷ نومبر ۲۰۱۳

## چرا «انجنیر» صادق ظفر مقیم هالند در تقلاء افتیده است؟

- ۵ -

باز هم توطئه دیگری از ماشین استخباراتی صادق ظفر و شرکاء!

یک توضیح مختصر!

انجنیر «صادق ظفر» دو هفته قبل این قلم را از طریق «مانویست های افغانستان» محکوم کرد که در «سایت» «حزب همبستگی» نوشته ارسال می دارم. بعد از جوابیه این جانب حالا انجنیر «صادق ظفر» تحت اسم «یکی از هواداران جریان دمکراتیک نوین (شعله جاوید)» به جواب می پردازد؟! این بدان معنی است که خود انجنیر «صادق ظفر» ثبوت می کند که انجنیر «صادق ظفر» یک جانور نابکار، شریر، فرومایه و نهایت دروغگو و دروغباف می باشد و تحت اسم های مختلفی شادبیزی کرده و فرتک و فرتک می زند!!

یک چیزی که توجهم را جلب نموده این بود که این نوشته «نقدی بر مواضع سازمان انقلابی بخش دهم» توسط صادق ظفر نوشته نشده است بلکه توسط حسین جاسوس «انجنیر ضیاء» نوشته شده است و برای صادق ظفر جهت نشر ارسال شده است زیرا pdf این نوشته و صورت تایپ نمودنش کاملاً فرق می کند.

انجنیر «صادق ظفر» مسؤول خندق «شورش» در پارس نامه ای تحت عنوان " نقدی بر مواضع ..... " باز هم چون گذشته بدون دلائل عقلانی و فرهنگ انسان متمدن پارس نموده است؛ وی طبق معمول بر شخصیت مبارزاتی «داکتر فیض احمد» توهین و اهانت روا داشته است، چون صادق ظفر یک فرد مفعول و چشم سفید می باشد، حتا «اکرم یاری فقید» وی را قوم شرم خطاب و مراتب انزجارش را نسبت به سابقه بد اخلاقی «صادق ظفر» ابراز کرده است. همچنان برادر بزرگ «صادق ظفر» وی را یک مفعول بی حیاء و دامن بالا می گفت و از وی و عملکرد هایش ناراض و نفرت داشت. این فرد بی شخصیت و مفعول با لنده غارش «حسین جاسوس» مبارز سامانی را به اسم مستعار «شیردل» و اسم اصلی «نصرالله» به شهادت رسانیده اند. پس از یک مفعول، قوم شرم، بی حیاء و قاتل چگونه توقعی انسانی می توان داشت؟

«صادق ظفر» با سگ گری اش یک قدم جلو رفته و بر یکی از رهبران بزرگ و سترگ جنبش چپ، زنده یاد «داد نورانی» نیز حمله می برد و ایشان را محکوم به ستایش کردن از وزارت اطلاعات و فرهنگ رژیم پوشالی کابل می کند؟!

همان طوری که قبلاً تذکار دادم از مفعول دامن بالا و ناموس فروش بر حال نمی توان توقع انسانی داشت.

برای «سازمان انقلابی» جای بسا افتخار است که از زبان یک مفعول دامن بالا و یک دیوث برحال، بر عملکرد های حال و گذشته شان و رهبران بزرگ و گرامی شان ابر مرد و اسطوره جاودانی «داکتر فیض احمد» و سایه بزرگان شان توهین و اهانت می شود. برای فیض بزرگ و داد نورانی بزرگ کمال افتخار است که از جانب یک مفعول و دله توهین می گردند نه از جانب اکثریت مردمش و انقلابیون!

زمانی که یک فرد نتواند جوهر و گهر مردی اش را که آبرو، حیثیت و ناموسش می باشد حفظ کند. وقتی که یک شخصی نتواند از ناموس همسرش دفاع کند و علیا مخدره اش را برای این و آن ارزانی دارد؛ پس از چنین پلید و بی ناموسی نمی توان توقع مثبت داشت.

صادق ظفر و حسین جاسوس با زد و بند هائی که باهم دارند در کمال بی ناموسی به اثر آن همه افشاءگری ها و جل و پوستک کشیدن ها علیه یکدیگر، باز هم یکجا شده اند و از یک پاچه باد می زنند. این دو تا جاسوس نهایت بی شرافت و بی غیرت این بار من را متهم به مداحی و ستایشگری برای محترمه «بلقیس روشن» نماینده مردم «فراه» نموده اند. این دو جاسوس دو سره در ادامه پارس نمودن های شان گویا به مردم چنین توجیه و توضیح می کنند که این قلم خود را جزء چپ انقلابی می پندارم و اما در عمل با دولت مزدور و دستنشانده «کرزی» همکار می باشم؛ زهی حماقت و چشم سفیدی؟!!

بار ها گفته ام چون تنگ «صادق ظفر» سست گشته است و وی بدون کوچکترین تعقل و تعمق، تعلل نموده، بدون خریطه فیر می کند و به همان جهت است که در بین نزدیکان و رفقای سابقه اش منزوی شده و مورد نفرت قرار گرفته است!!

به سلسله ترور شخصیت، دوسیه سازی و دسیسه سازی صادق ظفر و حسین جاسوس قبلاً خدمت هموطنان عزیز عرض داشتم که صادق ظفر، خانم و دخترانش عکس من را از فیس بوک گرفته و «وب لاگ»ی را به اسم ساختند و از طریق آن به دوستان و رفقایم توهین کردند و حتا به سایت های دیگر از جانب من نامه فرستادند و از پورتال «افغانستان آزاد-آزاد افغانستان» بد و بیراه گفتند و بر مسوولینش بی شرفانه تاخت و تاز کردند. به همان سلسله حالا باز هم در پهلوی جعلکاری ها و دروغ بافی های شان نامه ای را نوشته اند و تنها اسم مرا در پائین نامه اضافه کرده اند و به اتن و پایکوبی پرداخته اند که گویا کشف بزرگی کرده اند و این کشف اسرار آمیز شان به بد نامی من می انجامد. این هم جزئی و دنباله ای از همان داستان «گرگ آمد» می باشد که حالا توسط دو جاسوس بی ناموس، انجو اکونومیست و سگان سر سپرده ای استخبارات پاکستان به خاطر بدنامی عناصر انقلابی گردآوری و تالیف می شود.

انجنیر صادق ظفر مقیم «هالند» تا به حال فرق بین «سایت» و «فیس بوک» را نمی داند. در «سایت»، نویسندگان مضامین شان را فرستاده بعد از ویراستاری تحت نظر هیأت مسؤل به دست نشر سپرده می شود و یا نظر به معاذیری به نشر نمی رسد. خلاف «سایت» در «فیس بوک» نویسنده مضمون خود را در معرض خواندن قرار می دهد و در یک روز می تواند به دهها نوشته را به نشر برساند و یا تصاویری را در معرض تماشا بگذارد و اما به عکس در «سایت» قانون و دسپلین موجود می باشد.

کور خود، بینای مردم!

صادق ظفر و حسین جاسوس هیچ گاهی از «سیما سمر» یاد و انتقادی نمی کنند و جنایت و خیانت هایش را افشاء و رسوا نمی سازند؛ حتا این عوامل کوانتل پرو و انجو اکونومیست و جاسوس در یک ائتلاف ننگینی با سیما سمر- محمد محقق- کشتمند ها و اخوانی های جاغوری همکاری را آغاز کرده اند. طور مثال امروز این جاسوسان کثیف و عاملان «کوانتل پرو» در جاغوری دفتری را به اسم «مجتمع اسلامی جاغوری» به همکاری دولت نشانده «کرزی» گشوده اند و در بالای دروازه وردی این «مجتمع» عکس خیلی بزرگ «فقید اکرم یاری» را آویزان نموده اند و

اطراف دروازه وردی را با عکس های شهدای «سنگماشه» تزئین کرده اند. برای این روسپیان و مفعولان فرقی نمی کند که با هزاره های شان این که دارای چگونه عقاید سیاسی و مذهبی می باشد ائتلاف می نمایند؛ زیرا همه چیز را هزاره می بینند و آنگاه مویی در خمیر دیگران ساخته آه و فغان و ناله سر می دهند؟

این خود ثبوت می کند که حسین جاسوس- صادق ظفر و هم کلاشان چنگیزیست و هزاره ایست شان با دولت پوشالی کابل همکار می باشند و بر خنجر دشنه گون استعمار بوسه زده اند. حسین جاسوس «حزب کمونیست مائویست» را قانونی ساخته است و در خدمت انجو های امپریالیستی قرار داده و از همین درک بازسازی ولایات حوزه غربی کشور برایش سپرده شده است!

فعالیت های «سیما سمر» را بنگریم که در وزارت زنان و حالا «حقوق بشر» چه عملکرد های داشته است. «سیما سمر» هر دو مؤسسه را به روسپی خانه مبدل کرده است. طبق مصاحبه های بعضی خواهران داغیده ما از طریق تلویزیون های داخلی و تلویزیون های افغان های خارج از کشور ، سیما سمر دختران و زنان را که مورد ستم جنسی و ستم خانوادگی قرار گرفته بودند به بهانه کمک در آن دو مؤسسه آورده و بعد از گذشت زمان آنها را شبانه پیشکش مقامات بلند پایه حکومتی و دولتی می کرد و هنوز هم به این کار ضد کرامت بشری اش ادامه می دهد !!!

نمی دانم چرا صادق ظفر و حسین جاسوس شغاد وار دیگران را هدف و نشانه می گیرد و اما قومو و رهبر «حزب وحدت» سیما سمر را نمی بیند که در پهلوی رهبریت حزب وحدت، نفاق و شقاق انداختن ملیتی ، روسپیگری سیاسی حالا دلال زن برای طبقه حاکمه می باشد؟!

از همه گذشته، اکنون که موس رسوائی آنها را خبرنگار بینام از بام انداخته و پرده از روی راز شرکت آنها در جرگه خاینان ملی برداشته است، به عوض پاسخدهی در آن زمینه، می خواهد با اتهام زنی برمن به اصطلاح پای خود را از منجلاب انقیاد طلبی دور نشان بدهد.

خلاف دیگر هزاره های شریف افغانستان، «صادق و حسین» و امثالهم نطفه های های حرام تجاوزگران اند و نفرت و عقده در خون شان مخلوط است. آنها باید متوجه باشند که این ناموسفروشان، برای تأمین منافع شان ، مردم هزاره را نیز خواهند فروخت.

ادامه دارد.....